

تحلیل واژگانی افعال زبان فارسی
اثر: دکتر علی اکبر خمیجانی فراهانی
استادیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران
(از ص ۱۵۳ تا ۱۶۵)

چکیده:

دستور زبان نویسان و پژوهشگران زبان و ادب فارسی تمام افعال این زبان را بی قاعده فرض نموده و معتقدند که هر فعل در زبان فارسی دو ریشه یا ماده دارد: ریشه گذشته و ریشه حال. صیغه هایی که برگزیده دلالت دارند، از ریشه گذشته و صیغه هایی که بر حال و آینده دلالت دارند، از ریشه حال مشتق می شوند. مقاله حاضر، کوششی است برای اثبات این امر که تعداد قابل توجهی از افعال زبان فارسی، همانند افعال زبان انگلیسی با قاعده بوده و تنها یک ریشه یا ماده دارند. در واقع می توان تمام صیغه های این افعال را - چه آنهایی که برگزیده دلالت دارند و چه آنهایی که بر حال یا آینده دلالت دارند - تنها از یک ریشه مشتق کرد. ریشه یا ماده گذشته این افعال، با افزودن علامت گذشته ساده به ریشه حال ساخته می شود.

واژه های کلیدی: فعل با قاعده، فعل بی قاعده، ریشه گذشته، ریشه حال، تحلیل واژگانی.

مقدمه:

در زبان انگلیسی افعال به دو گروه با قاعده و بی قاعده تقسیم می شوند. افعال با قاعده، افعالی هستند که گذشته ساده و اسم مفعول آنها از ریشه حال مشتق می شوند، و افعال بی قاعده آنهایی هستند که گذشته و اسم مفعول آنها را نمی توان از ریشه حال ساخت؛ لذا در کتابهای دستور زبان انگلیسی، به عنوان مثال:

Modern English , Communicate What you Mean,-

A Comprehensive Grammar of the English Language

آمده است که برای ساختن گذشته ساده و اسم مفعول افعال با قاعده کافی است، پسوند / ed - یا / d - را به ریشه حال افزود. این قاعده را می توان در نمودار نیز بیان کرد:

$$\frac{\text{ریشه}}{\text{حال}} + \left\{ \begin{array}{c} \text{ed} \\ \text{d} \end{array} \right\} \rightarrow \left\{ \begin{array}{c} \text{گذشته ساده} \\ \text{اسم مفعول} \end{array} \right\}$$

اما فرمول بالا فقط خاص شکل نوشتاری زبان انگلیسی است و برای شکل گفتاری این زبان، باید قاعده دیگری را مطرح ساخت. متأسفانه بسیاری از کتابهای دستور زبان انگلیسی، به این واقعیت اشاره نمی کنند و این امر باعث می گردد که دانشجویان خارجی در تلفظ گذشته ساده و اسم مفعول افعال با قاعده زبان انگلیسی دچار اشتباه شوند. به عنوان مثال: دانشجویان ایرانی گذشته فعل (ask) "را" «آسکد» و گذشته فعل «open» "را" «آپند» تلفظ می کنند.

تا آنجایی که به شکل گفتاری زبان انگلیسی مربوط می شود، برای ساختن صیغه گذشته و اسم مفعول هر فعل با قاعده، با توجه به ساختار آوایی ریشه حال آن باید آوای [d],[t] و یا [əd] را به ریشه افزود؛ این فرآیند را می توان با نمودار زیر نشان داد:

$$\begin{array}{c} \text{ریشه} \\ \hline \text{حال} \end{array} + \begin{array}{c} [t] \\ [d] \\ [əd] \end{array} \rightarrow \begin{array}{c} \text{گذشته ساده} \\ \text{اسم مفعول} \end{array}$$

توزیع این سه علامت گذشته از قاعده خاصی پیروی می‌کند. اگر ریشه حال فعلی، به یک آوای واگذار مانند [l],[z],[n] و غیره ختم شود، آوای [d] باید انتخاب شود؛ اگر به یک آوای بی‌واک مانند: [s],[k],[p] و غیره ختم شود، آوای [t] انتخاب می‌شود و سرانجام اگر ریشه حال فعل به آوای [t] و یا [d] ختم گردد، علامت گذشته [əd] باید انتخاب شود.

پس به طور خلاصه می‌توان گفت، گذشته ساده و اسم مفعول گروهی از افعال انگلیسی با افزودن یکی از سه علامت [t],[d],[əd] به ریشه حال ساخته می‌شوند. این افعال را با قاعده و مابقی افعال را که از این قاعده پیروی نمی‌کنند، بی‌قاعده می‌نامند. نویسنده این مقاله بر این باور است که تعدادی از افعال انگلیسی که بی‌قاعده تلقی می‌گردند، نیز در واقع با قاعده بوده و گذشته ساده آنها را می‌توان از ریشه حال مشتق نمود، با این تفاوت که فرآیند ساخت گذشته ساده، تغییرات آوایی دیگری را علاوه بر افزایش علامت گذشته به ریشه حال در برمی‌گیرد؛ به عنوان مثال: افعال زیر به دلیلی که ذکر خواهد شد، در واقع با قاعده هستند:

<u>فعل</u>	<u>گذشته ساده و اسم مفعول</u>
deal	delt
leave	left
weep	wept
feel	felt
sweep	swept
sleep	slept
leap	leapt

ریشه حال افعال بالا همگی حاوی واکه کشیده (i:) هستند، حال آنکه گذشته ساده و اسم مفعول آنها حاوی واکه کوتاه (e) بوده و به آوای [t] ختم می شوند؛ درست مانند زیر مجموعه ای از افعال باقاعده. لذا می توان این افعال را باقاعده محسوب کرده و اشتقاق گذشته ساده از ریشه حال را با این نمودارها نشان داد:

(۱)

$$\frac{\text{ریشه}}{\text{حال}} + [t] \rightarrow \frac{\text{گذشته ساده}}{\text{اسم مفعول}} + \text{واکه کشیده}$$

(۲)

$$[i:] \rightarrow [e] \frac{\text{گذشته ساده}}$$

ساخت گذشته ساده و اسم مفعول افعال در دو مرحله صورت می گیرد، ابتدا فرمول شماره (۱) علامت ماضی [t] را به ریشه حال می افزاید و سپس فرمول شماره (۲) واکه کشیده (i:) را به واکه کوتاه (e) تبدیل می کند و بدین ترتیب گذشته ساده و اسم مفعول از ریشه حال ساخته می شوند.

گروهی دیگر از افعال به ظاهر بی قاعده زبان انگلیسی هم در عمل باقاعده هستند، با این تفاوت که ساخت گذشته ساده و اسم مفعول آنها از ریشه حال کمی پیچیده بوده و بیش از دو تغییر آوایی را در بر می گیرد و توضیح مراحل ساخت گذشته ساده این افعال از حوصله این مقاله خارج است.

بیشتر دستورنویسان و زبان شناسان، افعال زبان فارسی را به دو گروه باقاعده و بی قاعده تفکیک نمی کنند و باور ندارند که می توان ریشه گذشته (ماده ماضی)^۲ گروهی از افعال را از ریشه حال (ماده مضارع) ساخت. به عنوان مثال، خانلری^۳

چنین اظهار می‌کند:

«در زبان فارسی هر فعلی دو ماده دارد، یکی ماده ماضی و دیگر ماده مضارع. همه صیغه‌هایی که بر زمان گذشته دلالت می‌کنند از ماده ماضی ساخته می‌شود، و همه صیغه‌هایی که معنی حال و آینده از آنها برمی‌آید، از ماده مضارع مشتق است.» (خانری، ۱۳۵۵، ص ۱۲۷)

حتی آن دسته از پژوهشگران خارجی^۴ که دستور زبان فارسی نوشته‌اند از این نظریه پیروی کرده و اظهار می‌دارند که هر فعل در فارسی دو ریشه دارد: ریشه حال و ریشه گذشته؛ بدون آنکه معتقد باشند که می‌توان ریشه گذشته بعضی از افعال را از ریشه حال مشتق کرد.

این در حالی است که نویسندگان معتقد است، افعال زبان فارسی مانند، افعال زبان انگلیسی، باید به دو گروه با قاعده و بی قاعده تقسیم گردد. افعال با قاعده آنهایی هستند که ریشه گذشته شان را می‌توان با افزودن پسوندی به نام علامت ماضی به ریشه حال ساخت.

ناگفته نماند که عبدالعظیم قریب در کتاب دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی، تمام افعال فارسی را با قاعده فرض کرده و اعتقاد داشته است که ریشه گذشته (ماده ماضی) کلیه افعال فارسی را می‌توان از ریشه امر «ریشه حال» ساخت؛ ولی چون اشتقاق ریشه گذشته بعضی از افعال از ریشه حال بسیار مشکل است ترجیح داده است که بگوید صیغه‌های تمام افعال فارسی از دو ماده مشتق می‌شوند: سوم شخص ماضی (ریشه گذشته)، فعل امر (ریشه حال).

«غیر از افعال قیاسی تام که تمام صیغه‌ها را می‌توان از روی ریشه واحد ساخت، سایر افعال را نمی‌توان از روی این قاعده شناخت زیرا در افعال قیاسی غیر تام و افعال سماعی، حروف اصلی فعل در مصدر و ماضی تخفیف یافته و یا به حرف دیگر مبدل می‌شود و علامت ماضی نیز در فعلها تغییر می‌پذیرد و اگر قاعده‌ای از برای شناختن این اختلافات به وجود آوریم با همه پیچیدگی که دارد، باز هم استثناهایی پیدا

می‌شود. بنابراین طریق ساده‌تر برای شناختن افعال فارسی، آن است که فعل را از روی دو اصل و ریشه بسازیم.^۵

از دیگر پژوهشگرانی که ساختمان واژگانی افعال فارسی را مورد بررسی قرار داده‌اند، یارمحمدی استاد دانشگاه شیراز است. وی در مقاله‌ای مشترک با Cowan استاد دانشگاه ایللی نویز، تلاش کرده است با استفاده از نظریه گشتاری - زایشی چامسکی، ثابت کند که بسیاری از افعال به اصطلاح بی قاعده فارسی، در واقع با قاعده بوده و می‌توان تمام صیغه‌هایشان، از جمله ریشه گذشته را، از ریشه حال به دست آورد. البته فرمولهای آوایی که این دو زبان‌شناس، برای اشتقاق ریشه گذشته بعضی از افعال از ریشه حال، پیشنهاد کرده‌اند متعدد و پیچیده است. به عنوان مثال: برای ساخت ریشه گذشته فعل «پیوستن» یعنی «پیوست» از ریشه حال آن «پیوند»، باید از پنج فرمول آوایی استفاده کرد و برای اشتقاق ریشه گذشته فعل «شدن» نیز همینطور. این بدان معناست که گویش‌وران زبان فارسی برای اشتقاق ریشه گذشته بعضی افعال، از ریشه حال آنها باید پنج قاعده آوایی را فرا بگیرند و هنگام ساخت از آنها استفاده کنند. چنین امری از دیدگاه روان‌شناسی بعید به نظر می‌رسد، لذا نگارنده معتقد است تحلیلی بهتر از تلفیق دو تحلیل بالا به دست خواهد آمد؛ یعنی: بهتر آن است که بگوییم افعال فارسی به دو گروه با قاعده و بی قاعده تقسیم می‌شوند. افعال با قاعده آنهایی هستند که تنها یک ریشه دارند و می‌توان تمام صیغه‌هایشان را از آن ریشه مشتق نمود و افعال "بی" قاعده آنهایی هستند که دو ریشه مستقل دارند: ریشه حال (ماده مضارع) و ریشه گذشته (ماده ماضی). اکنون به معرفی افعال با قاعده فارسی و توضیح ساخت ریشه گذشته آنها از ریشه حال خواهیم پرداخت.

بسیاری از افعال ساده زبان فارسی در واقع با قاعده هستند، از این جهت که می‌توان ابتدا ریشه گذشته آنها را با افزودن علامت ماضی به ریشه حال ساخته و

سپس همه صیغه‌هایی که بر زمان گذشته دلالت می‌کند، از ریشه گذشته و صیغه‌هایی که معنی حال و آینده از آنها بر می‌آید، از ریشه حال مشتق کرد. این افعال را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:

گروه اول: افعالی که ریشه گذشته آنها با افزودن علامت گذشته (ید) به ریشه حال ساخته می‌شود. برخی از این افعال در زیر می‌آیند:

خریدن	کشیدن	سنجیدن	فهمیدن	گزیدن
پرسیدن	پریدن	لولیدن	جنگیدن	غلتیدن
خندیدن	تنیدن	ستانیدن	نالیدن	مالیدن
کوشیدن	خوابیدن	شوریدن	چرخیدن	لنگیدن
یازیدن	درخشیدن	رسیدن	رویدن	جوشیدن

ساخت ریشه گذشته این دسته از افعال با قاعده را می‌توان این گونه بیان کرد:

$$\left| \begin{array}{c} \text{ریشه} \\ \hline \text{حال} \end{array} \right. + \text{ید} \leftarrow \left| \begin{array}{c} \text{ریشه} \\ \hline \text{گذشته} \end{array} \right.$$

این نمودار به دو دلیل از نظر روان شناسی واقعی است. اول آنکه برای ساختن فعل از اسم و یا به عبارت دیگر «مصدر جعلی» از این فرمول استفاده می‌شود. دوم آنکه کودکان فارسی زبان برای ساختن ریشه گذشته افعالی مانند «سوختن»، «ساختن»، «پختن» و غیره که تصور می‌کنند با قاعده‌اند، علامت گذشته (ید) را به ریشه حال می‌افزایند و صیغه‌هایی مانند «سوزیدم»، «سازیدم»، «پزیدم» تولید می‌کنند.^۶ این نشانگر آن است که قاعده بالا از جمله قواعد فارسی است که کودکان به ذهن سپرده و از آن برای ساخت ریشه افعال با قاعده و افعال دیگری که از نظر آنها با قاعده است استفاده می‌کنند.

گروه دوم: افعالی که ریشه گذشته آنها با افزودن علامت گذشته (-آد) به ریشه حال ساخته می‌شود. این افعال عبارتند از: افتادن، ایستادن، فرستادن و نهادن. اشتقاق ریشه گذشته این افعال از ریشه حال را می‌توان این چنین بیان کرد:

$$\left| \begin{array}{c} \text{ریشه} \\ \hline \text{گذشته} \end{array} \right. \leftarrow \text{آد} + \left| \begin{array}{c} \text{ریشه} \\ \hline \text{حال} \end{array} \right.$$

گروه سوم: افعالی که ریشه گذشته آنها با افزودن علامت گذشته (-د) به ریشه حال ساخته می‌شود. این گروه نیز تنها از چهار فعل تشکیل می‌شود: افکندن، خواندن، خوردن، کندن؛ البته باید خاطر نشان ساخت، بسیاری از افعال متعدی شده که ریشه گذشته آنها با افزودن علامت گذشته (-ید) به ریشه حال ساخته می‌شود، بدون آوای (ی) نیز تلفظ می‌شوند. مانند چرخانیدن، خارانیدن، پوشانیدن، دوانیدن، و غیره که چرخاندن، خاراندن، پوشاندن و دواندن نیز تلفظ می‌شوند. چنانچه این افعال را هم به این گروه بیفزاییم، تعداد افعال تشکیل دهنده گروه سوم از چهار عدد افزون می‌شود. ساخت ریشه گذشته این افعال را می‌توان این گونه نشان داد:

$$\left| \begin{array}{c} \text{ریشه} \\ \hline \text{گذشته} \end{array} \right. \leftarrow \text{(د)} + \left| \begin{array}{c} \text{ریشه} \\ \hline \text{حال} \end{array} \right.$$

گروه چهارم: فرآیند ساخت ریشه گذشته این افعال نسبت به افعال سه گروه دیگر کمی پیچیده است. علامت گذشته برای این افعال آوای [ت] است که ابتدا به ریشه حال افزوده می‌شود؛ سپس آوای پایانی ریشه حال که اکنون علامت گذشته [ت] به آن اضافه شده است به آوای [خ] تبدیل می‌شود. این افعال عبارتند از:

ریشهٔ حال	مصدر
نواز	نواختن
آموز	آموختن
آمیز	آمیختن
فروش	فروختن
شناس	شناختن
باز	باختن
ساز	ساختن
انداز	انداختن
افراز	افراختن
افروز	افروختن

ریشهٔ حال این افعال به یکی از سه آوای (ش)، (ز) و (س) ختم می‌شود. پس از افزایش علامت گذشته (ت) به ریشهٔ حال این آواها به (خ) تبدیل می‌شوند. لذا می‌توان فرآیند تولید ریشهٔ گذشتهٔ این افعال را اینگونه نشان داد:

$$(1) \quad \begin{array}{c} \text{س} \\ \text{ش} \\ \text{ز} \end{array} \leftarrow \dots \text{ریشه} + (ت) \text{ حال}$$

$$\frac{\text{ت}}{\text{ریشهٔ گذشته}}$$

$$(2) \quad \begin{array}{c} \text{س} \\ \text{ش} \\ \text{ز} \end{array} \leftarrow \text{خ} \text{ --- } \text{ت}$$

سایر افعال زبان فارسی را باید بی قاعده تلقی نمود. چون اشتقاق ریشهٔ گذشتهٔ آنها از ریشهٔ حال، مستلزم استفاده از چند قاعدهٔ آوایی است. به عنوان مثال، طبق نظر یارمحمدی اشتقاق «پیوست» ریشهٔ گذشتهٔ «پیوستن» از ریشهٔ حال آن «پیوند» به پنج فرمول آوایی زیر نیاز دارد:

ن
 (۱) [د] ← ∅ ر ریشه گذشته

ای
 (۲) [ن] ← ∅ آ ریشه گذشته
 آ

(۳) ∅ ← [س] / [ا] ریشه گذشته

(۴) ∅ ← [د] / ریشه گذشته^۶

(۵) [د] ← [a واک] / [a واک]^۷

این نمودارها بدین ترتیب عمل می‌کنند: فرمول شماره ۱ آوای [د] در انتهای ریشه حال «پیوند» را حذف می‌کند. فرمول شماره ۲ آوای [ن] را هرگاه بعد از آوای [ای]، [آ] و یا [آ] قرار بگیرد حذف می‌کند و در نتیجه عملکرد این دو فرمول «پیوند» به شکل میانی «پیو» تبدیل می‌شود. فرمول شماره ۳ آوای [س] را به «پیو» می‌افزاید و آن را به «پیوس» تبدیل می‌سازد. سپس فرمول شماره ۴ علامت گذشته [د] را به خروجی فرمول شماره ۳ می‌افزاید و سرانجام فرمول شماره ۵ علامت گذشته [د] را چون بعد از آوای بی واک [س] آمده است، به همتای بی واک آن [ت] تبدیل می‌کند و بدین ترتیب ریشه گذشته «پیوست» به دست می‌آید.

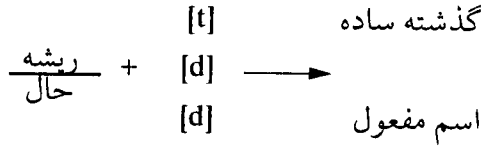
کاملاً روشن است که فرآیند اشتقاق ریشه حال افعالی مانند «پیوستن» و «بستن» به شیوه‌ای که یار محمدی و Cowan مطرح می‌نمایند، بسیار پیچیده بوده و بعید است که تمام این مراحل در ذهن یک فارسی زبان طی شود. به عبارت دیگر، چنین

فرآیندی از دیدگاه روان‌شناسی زبان نمی‌تواند واقعیت داشته باشد. با توجه به توضیحات بالا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هیچ یک از دو تحلیل موجود در خصوص ساختمان واژگانی افعال فارسی، از نظر زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان، کاملاً قابل دفاع نیست و نگارنده بر این باور است که افعال زبان فارسی همانند افعال زبان انگلیسی باید به دو گروه با قاعده و بی قاعده تقسیم شوند. ریشه افعال با قاعده را می‌توان از ریشه حال به کمک فرمول زیر مشتق نمود:

$$\begin{array}{c}
 \text{ید} \\
 \text{آد} \quad + \quad \text{حال} \\
 \text{د} \quad \quad \quad \text{ریشه} \\
 \leftarrow \quad \text{ریشه} \\
 \text{گذشته} \\
 * \text{ت}
 \end{array}$$

فرمول بالا چکیده چهار فرمولی است که قبلاً توضیح داده شدند. اینجا ستاره (*) نشانگر آن است که چنانچه علامت گذشته [ت] به ریشه حال فعلی برای ساختن ریشه گذشته اضافه گردد، فرمول دیگری نیز باید به کار برود. این فرمول آوای قبل از علامت گذشته ساده را که [س]، [ش] و یا [ز] است به [خ] تبدیل می‌کند.

چنانچه فرمول کلی ساخت ریشه گذشته (صیغه سوم شخص مفرد ماضی) افعال با قاعده زبان فارسی را با فرمول کلی ساخت گذشته ساده و اسم مفعول افعال با قاعده زبان انگلیسی که در آغاز این مقاله آمده و برای راحتی خواننده مجدداً در زیر خواهد آمد مقایسه کنیم، شباهت زیادی بین آنها خواهیم یافت. به عنوان مثال، خواهیم دید که دو تا از علامتهای گذشته زبان فارسی درست مانند علامتهای گذشته زبان انگلیسی هستند. با توجه به اینکه زبان فارسی و انگلیسی هر دو از زبانهای هند و اروپایی هستند، این شباهت چندان هم تعجب آور نیست.



نتیجه:

براساس بررسی به عمل آمده در این مقاله چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که افعال فارسی مانند افعال انگلیسی دو دسته هستند: با قاعده و بی‌قاعده. افعال با قاعده تنها یک ریشه یا بن دارند و برای ساخت صیغه‌های گذشته این افعال ابتدا باید یکی از نشانه‌های گذشته "ید، د، آد و یات" را به ریشه فعل اضافه کرد و سپس شناسه فعل را به آن. افعال بی‌قاعده از سوی دیگر، افعالی هستند که نمی‌توان صیغه‌های گذشته آنها را به سادگی از ریشه مشتق کرد. این افعال دارای دو ریشه یا بن هستند؛ ریشه حال و ریشه گذشته. صیغه‌های حال این افعال از ریشه حال و صیغه‌های گذشته از ریشه گذشته ساخته می‌شود.

پانویس‌ها:

- ۱- این علامت (θ) که شوا نامیده می‌شود، یکی از واژه‌های زبان انگلیسی است. هنگام تولید این واژه بخش میانی زبان به سوی کام دهان به گونه‌ای بالا برده می‌شود که فضای کافی برای خروج جریان هوا از حفره دهان وجود داشته باشد. این واژه تنها در هجاهای بدون تکیه به کار می‌رود.
- ۲- ید... ثمره در کتاب، آموزش زبان فارسی از واژه‌های «ستاک حال» و «ستاک گذشته» به جای «ماده مضارع» و «ماده ماضی» استفاده می‌کند.
- ۳- نگاه کنید به خانلری «دستور زبان فارسی» صفحه ۲۷.
- ۴- برخی از زبان‌شناسان و پژوهشگران خارجی که درباره زبان فارسی کتاب و یا مقاله نوشته‌اند عبارتند از:

H.Paper(1961)

A.K.S Lambton(1953) , G.Lazard (1957), G.L. Windfuhr (1976).
- ۵- نگاه کنید به قریب «دستورنامه در صرف و نحو و زبان فارسی» صفحه ۱۴۴.

۶- نویسنده در گفتار فرزند سه ساله خویش و کودکان خردسال دیگر کلماتی مانند «سوزیدم» و «پزیدم» فراوان شنیده است. این نشانگر آن است که کودکان فارسی زبان در مراحل اولیه فراگیری زبان قاعده‌ای را کشف می‌کنند، مبنی بر اینکه با افزودن [ید] به ریشه افعال می‌توان ریشه گذشته آنها را مشتق کرد. در مراحل بعدی کودکان درمی‌یابند که این قاعده استثناهایی نیز دارد.

۷- در فرمولهای آوایی که برای اشتقاق ریشه گذشته «پیوستن» از ریشه حال آن یار محمدی پیشنهاد کرده است، اگر علامت تهی ϕ در سمت راست پیکان و آوایی در سمت چپ باشد، یعنی آوایی افزوده می‌شود و اگر تهی ϕ در سمت چپ و آوایی در سمت راست باشد، یعنی آن آوا حذف می‌گردد.

۸- در آواشناسی سیستماتیک علامت آلفا (α) به عنوان متغیری به کار می‌رود که می‌تواند یکی از دو ارزش مثبت (+) یا منفی (-) را داشته باشد.

منابع:

بخش نخست

- ۱- ثمره، یدا...، (۱۳۶۸) آموزش زبان فارسی، انتشارات اداره کل روابط و همکاریهای بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- خانلری، پرویز (۱۳۵۵)، دستور زبان فارسی. تهران، انتشارات حیدری.
- ۳- قریب، عبدالعظیم، (۱۳۲۹)، دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی، تهران، انتشارات شرق.

بخش دوم

- Cowan, J.R. & Yarmohammadi, L., " The Persian verb Reconsidered. *Archi Orientalni*. 49, 1976
- Pollocl, C . W ., (1982). *Communicate What You Mean*, Prentice - Hall . Inc ., Englwood Cliffs, New jersey.
- Quirk, R . et al , (1985) *A Comprehensive Grammar of the English language*. London Longman.
- Windfuhr , G.L . (1976). *Persian Grammar: history and state of its study* . Paris & New yorh : Mouton The Hague.